



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

نگاهی به شیوه های رهبری

# امام هادی علیه السلام

عبدالکریم پاک نیا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نگاهی به شیوه‌های رهبری امام هادی (ع)

نویسنده:

عبدالکریم پاک نیا

ناشر چاپی:

مبلغان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	نگاهی به شیوه‌های رهبری امام هادی (ع)
۶	مشخصات کتاب
۶	طلیعه سخن
۶	نفوذ در میان دولتمردان
۶	اشاره
۷	حل مشکلات
۷	دانش سرشار
۷	رفتار کریمانه
۸	پاسخ به پرسش‌های علمی
۹	سازماندهی مبارزات سری
۹	مبارزه با اندیشه‌های انحرافی
۹	برخورد با غلاة (تندروها)
۱۰	مبارزه با صوفیه
۱۱	امام هادی و واقفیه
۱۱	احیای فرهنگ غدیر و امامت
۱۱	اشاره
۱۲	زیارت جامعه یا منشور امامت
۱۲	بهره‌گیری از موقعیت‌ها
۱۲	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## نگاهی به شیوه‌های رهبری امام هادی (ع)

### مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۰-۳۵۱۲۴

سرشناسه: پاک‌نیا، عبدالکریم عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به شیوه‌های رهبری امام هادی علیه السلام / پاک‌نیا، عبدالکریم منشأ مقاله: ، مبلغان ش ۲۶، (ذیحجه ۱۴۲۲ هـ ق: ص ۲۱-۳۳).

توصیفگر: علی بن محمد (ع)، امام دهم توصیفگر: فضایل اخلاقی توصیفگر: شیوه‌های رهبری

### طلیعه سخن

امام هادی علیه السلام در نیمه ذی‌الحجه سال ۲۱۲ هجری در اطراف مدینه در محلی به نام «صریا» [۱] به دنیا آمد. پدرش پیشوای نهم، امام جواد علیه السلام و مادرش بانوی گرامی «سمانه مغریه است که زنی با فضیلت، شب‌زنده‌دار و با تقوا بود. آن حضرت در سال ۲۲۰ هـ ق در ۸ سالگی، پس از شهادت پدر گرامی‌اش به امامت رسید. امام علی النقی علیه السلام در طول ۳۳ سال امامت خویش، با چند تن از خلفای عباسی هم عصر بود؛ که به ترتیب عبارتند از: ۱- معتصم، برادر مامون (۲۱۷-۲۲۷) ۲- واثق، پسر معتصم (۲۲۷-۲۳۲) ۳- متوکل، برادر واثق (۲۳۲-۲۴۸) ۴- منتصر، پسر متوکل (۶ ماه) ۵- مستعین، پسر عموی منتصر (۲۴۸-۲۵۲) ۶- معتز، پسر دیگر متوکل (۲۵۲-۲۵۵) امام هادی علیه السلام در زمان خلیفه‌ی آخر و به دست عوامل وی مسموم گردیده و به شهادت رسید و ایشان را در شهر سامرا و در خانه‌ی خود به خاک سپردند. به مناسبت میلاد آن حضرت به شیوه‌های رهبری ایشان در عصر تاریک ۶ تن از خلفای جائر عباسی نگاهی می‌اندازیم و محورهای مهم اقدامات آن امام همام را در مدت امامت و رهبری امت مورد بررسی قرار داده و با استفاده از منابع تاریخی و شواهد موجود، تصمیمات مدبرانه و مواضع حکیمانه‌ی ایشان را در تنویر افکار شیعیان و در برابر گروه‌های منحرف داخلی بازشناسی می‌کنیم.

### نفوذ در میان دولتمردان

#### اشاره

روش‌های حکیمانه و کمالات علمی، معنوی انسانی امام هادی علیه السلام سبب شد که آن بزرگوار در میان کارگزاران حکومت و دولتمردان عصر خویش محبوبیت خاصی پیدا کند. مثلاً هنگامی که هرثمه، آن حضرت را وارد بغداد کرد، اسحاق بن ابراهیم طاهری که والی بغداد بود به او گفت: تو متوکل را می‌شناسی (که چه قدر فرد خبیث و بدسرشتی است) اگر او را بر قتل این آقا تحریک کنی، امام را خواهد کشت و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روز قیامت خصم تو خواهد بود و او گفت: «سوگند به خدا، جز نیکی از او ندیده‌ام» [۲]. وصیف ترکی یکی از امرای بزرگ ترک در دستگاه خلافت، در سامرا هرثمه را تهدید کرد که اگر مویی از سر او (امام هادی علیه السلام) کم شود تو مسئول خواهی بود. امام هادی علیه السلام نه تنها مورد تکریم برخی از خواص حکومت بود، بلکه بعضی از رجال و کارکنان دربار به آن حضرت ارادت‌ی خالصانه داشتند. غلامان و خادمان دربار، هنگام ورود آن حضرت به پایتخت کشورهای اسلامی سخت در احترام و اعزاز ایشان می‌کوشیدند. تا آنجا که این کار موجب حسد و ناراحتی بعضی از درباریان شده بود. عوامل نفوذ امام هادی علیه السلام در میان دولتمردان:

## حل مشکلات

متوکل خلیفه خودخواه و مستبد عباسی در اثر دملی که روی بدن او پدید آمده بود، در بستر مرگ افتاده بود. هیچ یک از پزشکان به خود جرأت نمی‌داد تا برای جراحی کاردی تیز به بدن او بزند. مادرش چاره‌ی کار را در آن دید که نذر کند. او نذر کرد که در صورت بهبودی فرزندش، مقدار فراوانی از اموال خویش را به امام هادی علیه السلام برساند. فتح بن خاقان (وزیر دربار خلافت) به متوکل پیشنهاد کرد که اگر کسی را به نزد امام علیه السلام بفرستی و از او راه درمان این بیماری را بخواهی، شاید او دارویی بشناسد که با استفاده از آن، شفا یابی. متوکل گفت: کسی را نزد او بفرستید. بیک متوکل نزد امام رفت و چنین پیغام آورد که: مشکل گوسفندی را که زیر پا مالیده شده با گلاب بخیسانید و بر روی دمل بگذارید که به اذن خدا سودبخش است. برخی از کسانی که در محضر متوکل حاضر بودند، از شنیدن این سخن به خنده افتادند. اما فتح بن خاقان به آن‌ها گفت: چه عیبی دارد که سخن او را نیز تجربه کنیم؟ به خدا سوگند! من امیدوارم به آن چه او گفته خلیفه از این بیماری بهبود یابد. از این رو مقداری پشگل آورده در گلاب خیسانند و بر روی دمل نهادند. سر دمل باز شد و هر چه در آن بود بیرون آمد. مادر متوکل از بهبودی فرزند خویش بسیار خوشحال شد و ده هزار دینار مختم به مهر خویش برای آن حضرت فرستاد و متوکل از مرگ نجات یافت. [۳].

## دانش سرشار

یحیی بن هرثمه می‌گوید: «در یکی از روزهای بهاری که آسمان صاف بود و خورشید می‌درخشید، امام هادی علیه السلام با پوشیدن لباس بارانی از خانه بیرون آمد، من و همراهان از کار او تعجب کردیم. چون به میان صحرا رسیدیم، ابری پر باران ظاهر شد و بارانی سخت باریدن گرفت، در آن حال هیچ کس جز امام هادی علیه السلام از باران و عواقب آن در امان نماند. آن حضرت به من رو کرده و فرمود: من می‌دانم که تو از آنچه که از من دیدی بسیار تعجب کردی و گمان کردی که من درباره‌ی باران چیزی می‌دانستم که تو نمی‌دانستی، ولی آن گونه نیست که تو گمان کردی (بر اساس علم امامت نیست)، بلکه من در صحرا زیسته‌ام و بادهای باران آور را می‌شناسم. امروز صبح بادی وزید، من بوی باران را از آن استشمام کردم، از این رو برای آن آماده شدم.» [۴]. بدین وسیله بسیاری از مردم و کارگزاران حکومت به سوی دانش بی‌پایان حضرتش راهنمایی شدند. آن حضرت می‌کوشید تا به این وسیله در عصر خلفای عباسی از موقعیت مثبتی که در جهت مصلحت دعوت الهی برای او فراهم آمده بود بهره‌برداری کند. و این کار البته با حکمت و استقامت و بردباری در راه خدا امکان‌پذیر می‌شد.

## رفتار کریمانه

روزی ابو عبدالله محمد بن قاسم بطحائی که از خاندان ابوطالب ولی از پیروان بنی‌عباس بود از آن حضرت نزد متوکل بدگویی کرد و گفت: در خانه‌ی او اموال و سلاح است. متوکل به سعید حاجب دستور داد که شبانه به منزل آن حضرت هجوم برده و تمام اموال و سلاح‌هایی را که در خانه‌ی او یافت می‌شود برای وی بیاورد. ابراهیم بن محمد این واقعه را از زبان سعید حاجب چنین نقل می‌کند: شبانه به سرای امام هادی علیه السلام رفتم. نردبانی همراه داشتم، به وسیله‌ی آن خود را به بالای بام خانه رسانیدم و در تاریکی از پلکان فرود آمدم. نفهمیدم که چگونه به صحن خانه رسیدم که ناگهان آن حضرت مرا از درون خانه صدا کرد و گفت: «یا سعید مکانک حتی یاتوک بشمعه؛ سعید همان جا بمان تا برایت شمع بیاورند!» مدتی نگذشت که برایم شمعی آوردند و من به صحن منزل رفتم. آن حضرت کلاه و ردای پشمین در تن نموده و روی سجاده‌اش که بر حصیری پهن بود، رو به قبله نشسته بود. به من گفت: «این اتاق‌هاست، برو بگرد.» وارد اتاق‌ها شدم و آن‌ها را مورد بازرسی قرار دادم و چیزی در آن‌ها نیافتم. تنها کیسه زری

دیدم که به مهر مادر متوکل مهور بود، و کیسه‌هایی نیز یافتیم که از همان مهر داشتند. امام هادی فرمود: «این سجاده!» سجاده را بالا زد، شمشیری یافتیم که غلاف نداشت. من نیز کیسه‌ها و شمشیر را برداشته برای متوکل بردم. چون متوکل به مهر مادرش بر روی کیسه نگریست، کسی را در پی او فرستاد، مادرش نزد او آمد. متوکل درباره‌ی آن کیسه‌ها پرسید و مادرش پاسخ داد: من به هنگام بیماری تو نذر کردم که اگر بهبودی یابی، ده هزار دینار برای حضرت هادی ببرم و این دینارها همان است. چنان که می‌بینی امام حتی کیسه‌ها را باز هم نکرده است!! متوکل کیسه‌ی آخر را گشود، در آن چهارصد دینار بود. آن گاه دستور داد که کیسه‌ها را پیش کیسه‌های دیگر ببرند و با دینارهایی که در آن‌ها بود به علاوه‌ی شمشیر به امام هادی علیه السلام بازگردانند. وی می‌گوید: من کیسه‌ها را به همراه شمشیر دوباره بازگرداندم، از او خجالت می‌کشیدم، از این رو به او گفتم: سرورم! بر من گران بود بدون اجازه‌ی شما وارد خانه‌ی شما شوم، اما چه کنم که مأمور بودم. امام فرمود: «و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون؛ [۵] «آنان که ستم کردند به زودی خواهند دانست که بازگشتشان به کجا خواهد بود.» [۶]. رفتار متوکل با آن حضرت به ظاهر محترمانه بود، ولی پیوسته او را تحت نظر داشت و شکوه و جلال اجتماعی آن حضرت را بر نمی‌تابید. گاهی به حبس و توقیف و جست و جوی منزل آن حضرت فرمان می‌داد و با انواع دسیسه‌ها سعی می‌کرد از شکوه آن حضرت در میان مردم بکاهد. مثلاً هنگامی که متوکل آن حضرت را بر خلاف میلش از مدینه به سامرا آورد، اول تصمیم گرفت که از قدر و منزلت آن حضرت در نزد مردم بکاهد، از این رو ابتدا خود را به آن حضرت نشان نداد بلکه دستور داد امام را پیش از آن که نزد وی ببرند مدتی در «خان الصعاليك» که محل تجمع گدایان و مستمندان بود جای دهند. یکی از پیروان امام هادی علیه السلام به نام صالح بن سعید، در همان مکان محقر به محضر آن حضرت رسیده و گفت: «فدايت شوم! اینان خواسته‌اند نور تو را خاموش سازند و جلال و عظمت تو را در میان مردم بشکنند و برای همین در این جای ناپسند شما را فرود آورده‌اند.» امام هادی علیه السلام با نیروی اعجاز خویش توجه صالح بن سعید را به نقطه‌ای جلب نمود و با دست مبارک خویش محلی را نشان داد. وقتی صالح به آن جا نگاه کرد، باغ‌های سرسبز و قصرهای زیبایی را مشاهده نمود که از دیدن آن همه مناظر حیرت‌انگیز، چشم‌هایش خیره شده و تعجب نمود. امام هادی علیه السلام در این هنگام به وی فرمود: «حيث كنا فهذا لنا يا ابن سعید لسنا في خان الصعاليك؛ [۷] ای پسر سعید، هر جا که باشیم این برای ما مهیا است، ما در سرای گدایان و بیچارگان نیستیم.» به این ترتیب توطئه‌های متوکل یکی پس از دیگری با شکست مواجه می‌شد و هر روز که بر زندگی حضرت هادی علیه السلام می‌گذشت، ابعاد وجودی و چهره‌ی الهی و سیمای ملکوتی آن گرامی، در میان مردم و حتی دولتمردان حکومتی تجلی بیشتری پیدا می‌کرد. بدین جهت خشم و کینه‌ی متوکل نسبت به آن حضرت افزایش می‌یافت، تا جایی که وجود امام علیه السلام برای او غیر قابل تحمل گردید و تصمیم گرفت آن حضرت را به قتل برساند. [۸].

### پاسخ به پرسش‌های علمی

یکی دیگر از شیوه‌های امام هادی علیه السلام در رهبری جامعه‌ی اسلامی پاسخ به پرسش‌های علمی و شرعی بود که به دو مورد اشاره می‌کنیم: الف) در عصر متوکل، فردی مسیحی با زنی مسلمان زنا کرد، آن گاه اسلام آورده و شهادتین بر زبان جاری نمود. او را دستگیر کرده و نزد متوکل عباسی آوردند. از میان دانشمندان حاضر، یحیی بن اکثم مهم‌ترین دانشمند عصر، در مورد این عمل چنین حکم نمود: مسلمان شدن او پلیدی کفر و عمل غیر شرعی او را از بین می‌برد و حد شرعی بر او جاری نمی‌شود. عده‌ای از فقها گفتند: باید بر او سه بار حد جاری شود. برخی دیگر از فقها نظراتی دیگر اظهار داشتند. متوکل در مورد این مسئله متحیر شده و ناچار حقیقت حکم را از امام هادی علیه السلام جویا شد. آن حضرت با رؤیت صورت مسئله فرمود: «یضرب حتی یموت؛ آن قدر باید شلاق زده شود تا بمیرد.» یحیی بن اکثم و سایر فقهای عصر اعتراض کرده و گفتند: یا امیر! چنین حکمی در کتاب خدا



و سنت پیامبر وجود ندارد، از او مدرک این فتوا را بخواه. هنگامی که متوکل از امام علی النقی علیه السلام مدرک خواست، حضرت با اشاره به آیاتی از سوره‌ی غافر برای او چنین نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم، «فلما رأوا بأسنا قالوا آمنا بالله وحده و كفرنا بما كنا به مشركين فلم يك ينفعهم ايمانهم لما رأوا بأسنا سنت الله التي قد خلت في عباده و خسر هنالك الكافرون؛ [۹]» هنگامی که عذاب شدید ما را دیدند گفتند: هم اکنون به خداوند یگانه ایمان آوردیم و به معبودهایی که همتای او می‌شمردیم کافر شدیم. اما هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند ایمانشان برای آن‌ها سودی نداشت. این سنت خداوند است که همواره در میان بندگان اجرا شده و آن‌جا کافران زیان کار شدند.» متوکل پاسخ امام هادی علیه السلام را پسندیده و دستور داد آن قدر به آن مرد مسیحی فاسق شلاق بزنند تا بمیرد. [۱۰]. ب) ابو عبدالله زیادی می‌گوید: هنگامی که متوکل مسموم شد، نذر کرد که اگر خداوند او را عافیت بخشد، مال زیادی صدقه دهد و از قضا سلامت خود را بازیافت و در مورد مقدار نذر خویش از فقهای عصر استفسار نمود، آنان در مصداق و مقدار «مال کثیر» اختلاف نمودند. حسن که حاجب متوکل بود به وی گفت: یا امیرالمؤمنین! اگر من پاسخ صحیح این مشکل را برای شما بیاورم، مرا در نزد شما چه پاداشی خواهد بود؟ متوکل گفت: اگر جواب صحیح را بیاوری ده هزار درهم پاداش می‌گیری و گرنه صد تازیانه بر تو خواهم زد. حسن گفت: می‌پذیرم. آن‌گاه نزد امام هادی علیه السلام رفت و از او درباره‌ی مقدار مال کثیر سؤال نمود. امام به او پاسخ داد: «یتصدق بثمانین درهما؛ هشتاد درهم صدقه دهد.» متوکل پرسید: به چه دلیل؟ حسن دوباره نزد امام رفته و از او علت حکم را جویا شد. امام هادی علیه السلام فرمود: «چون خدای تعالی به پیامبرش فرمود: لقد نصرکم الله فی مواطن کثیره؛ [۱۱] خداوند شما را در جاهای بسیار یاری کرد (و بر دشمن پیروز شدید.) و شمار مواظنی که خداوند، پیامبرش را یاری داده به هشتاد می‌رسد.» حسن با شنیدن این جواب به نزد متوکل آمد و او را از پاسخ امام آگاه ساخت، متوکل نیز از این دلیل قرآنی خوشحال شده و ده هزار درهم به وی عطا نمود. [۱۲].

### سازماندهی مبارزات سری

یکی از شیوه‌های رهبری امام هادی علیه السلام، مدیریت مبارزات مخفیانه با حکومت استبدادی و طاغوتی عصر بود. آن حضرت این کار را از راه‌های مختلفی انجام می‌داد: الف) محمد بن داود قمی و محمد طلحی نقل می‌کنند: اموالی از قم و مناطق اطراف آن که شامل وجوهات شرعی، نذورات، هدایا و جواهرات بود، برای امام هادی علیه السلام حمل می‌کردیم. در راه پیک امام رسید و به ما خبر داد که باز گردیم؛ زیرا موقعیت برای تحویل اموال مناسب نیست. ما باز گشتیم و آن‌چه را نزدمان بود هم چنان نگه داشتیم. تا آن‌که پس از مدتی امام دستور داد اموال را بر شترانی که فرستاده بود، بار کنیم و آن‌ها را بدون ساربان به سوی آن حضرت روانه کنیم. ما اموال را به همین کیفیت حمل کرده و فرستادیم. بعد از مدتی که به حضور امام علیه السلام رسیدیم فرمود: «به اموالی که فرستاده‌اید بنگرید!» دیدیم در خانه‌ی امام اموال به همان حال محفوظ است. [۱۳]. ب) محمد بن شرف می‌گوید: «همراه امام هادی علیه السلام در مدینه راه می‌رفتم. امام علیه السلام فرمود: آیا تو پسر «شرف هستی؟ عرض کردم: آری. آن‌گاه خواستم از حضرت پرسشی کنم. امام علیه السلام از من پیشی گرفت و فرمود: «نحن علی قارعة الطريق و لیس هذا موضع المسألة؛ ما در حال عبور از شاهراه هستیم و این محل برای طرح سؤال مناسب نیست.» [۱۴]. در موارد متعددی شبیه همین موارد آن حضرت فعالیت‌هایش را استتار کرده و دور از چشم عاملان حکومت انجام می‌داد.

### مبارزه با اندیشه‌های انحرافی

#### برخورد با غلاة (تندروها)

در عصر امام هادی علیه السلام عده‌ای از «غلاة» در مورد معصومین علیهم السلام افراط می‌کردند و آن بزرگواران را تا حد مقام خداوندی بالا می‌بردند و گروهی را با این افکار باطل به گمراهی کشانیده بودند. پیشوای دهم با گفتار حکیمانه، رفتار مدبرانه و نامه‌های روشنگرانه‌ی خود مرز افراط و تفریط را مشخص می‌نمود. آن حضرت دوستداران واقعی اهل بیت علیهم السلام را از انحراف و تمایل به سوی اندیشه‌های نادرست و آراء باطل بر حذر می‌داشت. افرادی مانند: علی بن حسکه قمی، قاسم یقطنی، حسن بن محمد بابای قمی، محمد بن نصیر و فارس بن حاتم قزوینی و... از جمله‌ی این کج‌اندیشان منحرف بودند. امام هادی علیه السلام با شیوه‌های مختلف با این افراد برخورد می‌نمود: الف) گفتارها و نامه‌ها: در مورد عقاید باطل و انحرافی این گروه یکی از یاران امام هادی علیه السلام به آن حضرت نامه نوشته و اعتقادات علی بن حسکه را شرح داد خلاصه‌ی نامه چنین است: «فدایت کردم ای آقا و سرور من! علی بن حسکه معتقد است تو ولی او و همان خدای قدیم هستی، و خود را پیامبری می‌داند که از جانب شما مأموریت یافته مردم را به سوی شما دعوت کند.» آن حضرت پاسخ می‌دهد: «ابن حسکه دروغ گفته است. من او را در شمار دوستان خود نمی‌دانم... به خدا سوگند، خداوند محمد صلی الله علیه و آله و پیامبران پیش از او را جز به آیین یکتاپرستی و نماز و زکات و حج و ولایت نفرستاده است. محمد صلی الله علیه و آله تنها به خدای یکتای بی‌شریک دعوت کرده است و ما جانشینان او نیز، بندگان خداییم و به او شرک نمی‌ورزیم. در صورت اطاعت از خدا مورد رحمت او قرار گرفته و چنانچه از فرمانش سرپیچی کنیم، عقوبت و عذاب خواهیم شد. ما حجتی بر خداوند نداریم و خداوند بر ما و تمام مخلوقاتش حجت دارد. من از کسی که این سخنان را به زبان آورده بیزاری جسته، به خدا پناه می‌برم - خدا آنان را لعنت کند - شما نیز از آنان دوری کنید و آنان را در تنگنا قرار داده و تکذیبشان کنید. و اگر به یکی از این افراد دسترسی پیدا کردید سرش را با سنگ بشکنید.» [۱۵]. ب) اقدامات عملی: فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی در ابتدا از یاران نزدیک امام هادی علیه السلام و نماینده‌ی آن حضرت بود. اما بعدها از خط دین و امامت خارج شده و با اظهار عقاید کفرآمیز مردم را به سوی انحراف از حق و بدعت در دین دعوت می‌کرد. او که در میان مردم نماینده‌ی امام هادی علیه السلام شناخته شده بود، اموال و وجوهات شرعی را از مردم گرفته و برخلاف مصالح دین و خواسته‌ی امام هادی علیه السلام در آن تصرف می‌کرد. یکی از علل لغزش و سقوط وی دنیاپرستی و علاقمندی به جاه و مال دنیوی بود که او را از جاده مستقیم حقیقت و امامت دور کرده و به سوی باطل کشانید. فارس بن حاتم در پیمودن راه باطل و ایجاد فتنه و تفرقه در میان شیعیان آن چنان افراط نمود که حکم ارتداد و کفر وی از طرف امام علی النقی علیه السلام صادر گردید. متن حکم آن حضرت چنین بود: «هذا فارس - لعنه الله - يعمل من قبلی فتانا داعیا الی البدعة، و دمه هدر لکل من قتله، فمن هذا الذی یریحنی منه یقتله و انا ضامن له علی الله الجنة؛ [۱۶] فارس - که خدا او را لعنت کند - خود را نماینده‌ی من می‌داند در حالی که او مردی آشوبگر و فتنه‌ساز است و مردم را به سوی بدعت می‌خواند، قتل او واجب است و هر کس او را بکشد و مرا از شر او راحت نماید، بهشت را برایش ضمانت می‌کنم.» مدتی گذشت و چون کسی اقدام به قتل وی نمود، حضرت هادی علیه السلام یکی از شیعیان شجاع، متدین و مورد اعتماد خویش را به نام جنید مأمور اجرای حکم نمود و او در فرصتی مناسب، دستور امام علیه السلام را به اجرا درآورد. [۱۷].

## مبارزه با صوفیه

محمد بن ابی خطاب می‌گوید: به همراه جمعی از یاران امام هادی علیه السلام در مسجدالنبی در محضر آن حضرت نشسته بودیم، ناگاه جماعتی از صوفیان وارد مسجد شدند و به گرد هم حلقه زده و به ذکر «لا اله الا الله مشغول گردیدند. امام هادی علیه السلام به ما رو کرده و فرمودند: «لا تلتفتوا الی هؤلاء الخداعین، فانهم خلفاء الشیاطین و مخربوا قواعد الدین یتزهدون لراحة الاجسام و یتجدون لتعبید الانعام؛ به این دغل‌بازان ریاکار توجه نکنید، آن‌ها هم پیمانان با شیطان‌ها و ویرانگران بنیادهای دین هستند، آن‌ها

برای آسایش جسم پارسایی نشان می‌دهند و شب‌زنده‌داری آن‌ها برای به چنگ آوردن غذاهای چرب و شیرین است...» و سپس فرمود: «فمن ذهب الی زیارة احد منهم حیا و میتا فکانما ذهب الی زیارة الشیطان و عبدة الاوثان...؛ کسی که به دیدار زنده و مرده‌ی آن‌ها برود، گویی به دیدار شیطان و بت‌پرستان رفته است...» در این هنگام که سخن امام هادی علیه السلام به این جا رسید، یکی از شیعیان گفت: «گرچه به امامت و حقوق شما معتقد و معترف باشد؟» امام هادی علیه السلام خشمگین به او نگریسته و فرمود: «این تصورات نادرست را رها کن؛ کسی که امامت ما را پذیرفته، برخلاف روش و رضایت ما گام بر نمی‌دارد، آیا نمی‌دانی که آن‌ها پست‌ترین گروه صوفیان هستند؟» سپس فرمود: «والصوفیة کلهم من مخالفینا، و طریقتهم مغایرة لطریقتنا، و ان هم الا-نصاری و مجوس هذه الامة اولئك الذین یجهدون فی اطفاء نور الله و الله یتیم نوره و لو کره الکافرون؛ همه‌ی صوفیان از مخالفان ما هستند و برنامه و روش آن‌ها با برنامه و روش ما مغایرت دارد، آن‌ها مطمئناً نصاری و مجوس این امت هستند، آن‌ها کسانی هستند که در خاموش نمودن نور خدا سعی می‌کنند، خداوند نور خود را کامل می‌کند، گرچه کافران نپسندند.» [۱۸].

### امام هادی و واقفیه

یکی از گروه‌های منحرف که در مقابل امامان معصوم علیهم السلام ایستاده و موجب مزاحمت‌ها شدند، گروهک واقفیه بودند، آن‌ها معتقد بودند که امام کاظم علیه السلام زنده است و آخرین امام و مهدی موعود است. امام هادی علیه السلام در برابر آن‌ها موضع قاطعی اتخاذ کرده و با آنان مقابله نمود. روزی یکی از شیعیان نامه‌ای به امام نوشته و در ضمن آن پرسید: فدایت شوم، این افراد را می‌شناسید، آیا در قنوت نماز آن‌ها را لعن و نفرین بکنیم؟ امام هادی علیه السلام نوشت: «نعم، اقت علیهم فی صلاتک؛ آری در قنوت نماز آن‌ها را نفرین کن.» [۱۹].

### احیای فرهنگ غدیر و امامت

#### اشاره

یکی دیگر از روش‌هایی که در سیره‌ی امام هادی علیه السلام مورد توجه بوده نشر معارف ائمه و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام در آن عصر ظلمانی می‌باشد. هنگامی که معتصم خلیفه‌ی عباسی حضرت هادی علیه السلام را در روز غدیر احضار نمود، آن حضرت در آن موقعیت حساس به زیارت جد بزرگوارش امام علی علیه السلام شتافته و با نوای ملکوتی و عبارات دلنشین خویش، فضائل و مناقب حضرت علی علیه السلام را بار دیگر در خاطره‌ها زنده کرد. محتوای این زیارت درباره‌ی فرهنگ غدیر و زندگی ارزشمند و باشکوه امیر مؤمنان علی علیه السلام است و محورهای مهمی در زیارت غدیر مورد توجه و تاکید امام هادی علیه السلام قرار گرفته است. فضائل امام علی علیه السلام در قرآن از جمله آیات ولایت، شراء، بلاغ، جهاد و سایر آیاتی که در مورد امام علی علیه السلام نازل گردیده، در این زیارت مورد اشاره قرار گرفته است: از همه مهم‌تر اشاره به واقعه‌ی تاریخی غدیر است که محور زیارت غدیر در کلام امام هادی علیه السلام است. در فرازی از این زیارت امام هادی علیه السلام خطاب به جد بزرگوار خویش می‌فرماید: «اشهد یا امیرالمؤمنین ان الشاک فیک ما آمن بالرسول الامین و ان العادل بک غیرک عائد عن الدین القویم الذی ارتضاه لنا رب العالمین و اکمله بولایتک یوم الغدیر و اشهد انک المعنی بقول العزیز الرحیم و ان هذا صراطی مستقیما فاتبعوا السبل؛ [۲۰] ای امیر مؤمنان! شهادت می‌دهم هر کس در مورد تو تردید داشته باشد، به رسول اکرم صلی الله علیه و آله که امین خداوند است ایمان نیاورده و کسی که از ولایت تو به سوی غیر تو عدول کند از دین استوار خداوند - که پروردگار جهانیان برای ما برگزیده و در روز غدیر با ولایت تو آن را کامل نموده - برگشته است و گواهی می‌دهم که معنی این آیه تو هستی که فرمود: این راه مستقیم من است، از او

پیروی کرده و راه‌های دیگر را پیروی نکنید.»

## زیارت جامعه یا منشور امامت

امام هادی علیه السلام علاوه بر زیارت غدیر، برای تبیین جایگاه امامت و مشخص شدن منزلت پیشوایان معصوم علیهم السلام یکی از آثار ماندگار خویش را به نام زیارت «جامعه کبیره که یک دوره امام‌شناسی جامع و کامل می‌باشد، به شیفتگان معارف اهل بیت علیهم السلام عرضه نموده است. به گفته‌ی علامه مجلسی، این زیارت از نظر سند صحیح‌ترین و از جهت محتوی فراگیرترین زیارت‌ها نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد و در مقایسه با دیگر زیارت‌ها از فصاحت لفظ و بلاغت معنی و شان و منزلت والایی برخوردار است. [۲۱].

## بهره‌گیری از موقعیت‌ها

هنگامی که بدخواهان در نزد متوکل، از امام هادی علیه السلام سعایت و بدگویی کرده و گفتند: در منزل او سلاح و نوشته‌ها و اشیای دیگری است که از طرف شیعیان به وی رسیده و او قصد قیام بر ضد دولت تو را دارد، متوکل گروهی را به منزل آن حضرت فرستاد، آنان شبانه به خانه‌ی امام علیه السلام هجوم بردند، ولی چیزی به دست نیاوردند، آن‌ها دیدند که حضرت تنها در اطاقی دربسته نشسته و در حالی که جامه‌ی پشمین بر تن دارد و بر زمین خاکی روی شن و ماسه نشسته، به عبادت خدا و تلاوت قرآن مشغول است. امام را با همان حال دستگیر کرده و نزد متوکل بردند و به او گزارش دادند که در خانه‌اش چیزی نیافتیم و او را رو به قبله دیدیم که قرآن می‌خواند. متوکل چون امام را دید، از عظمت و هیبت امام بی‌اختیار ایشان را احترام نموده و در کنار خود نشاند و با کمال گستاخی جام شرابی را که در دست داشت به امام علیه السلام تعارف نمود. امام سوگند یاد کرده و فرمود: «گوشت و خون من با چنین چیزی آمیخته نشده است، مرا معاف دار!» متوکل حضرت را معاف نمود و گفت: شعری بخوان! حضرت فرمود: «من شعر کم می‌خوانم. متوکل گفت: «باید بخوانی!» امام هادی علیه السلام آن گاه که اصرار وی را دید اشعاری را قرائت نمود که تمام اهل مجلس متأثر شده و به گریه افتادند و بزم شراب و عیش به سوگ و عزا تبدیل شده و آنان جام‌های شراب را بر زمین کوبیدند. اشعار امام چنین بود: باتوا علی قتل الاجبال تحرسهم غلب الرجال فلم تنفعهم القلل واستنزلوا بعد عز عن معاقلهم واسکنوا حفرا یا بئس ما نزلوا ناداهم صارخ من بعد دفنهم این الاساور و التیجان والحلل این الوجوه التی کانت منعمة من دونها تضرب الاستار والکلل فافصح القبر عنهم حین سائلهم تلک الوجوه علیها الدود یقتل قد طال ما اکلوا دهرًا و ما شربوا واصبحوا بعد طول الاکل قد اکلوا [۲۲]. «اگر دنگشان مغرور و پادشاهان مقتدر [بر قله کوهسارها شب را به روز آوردند در حالی که مردان نیرومند از آنان پاسداری می‌کردند، ولی قله‌ها نتوانستند آنان را از خطر مرگ برهاند. آنان پس از مدت‌ها عزت از جایگاه‌های امن به زیر کشیده شدند و در گودال‌ها جایشان دادند. چه منزل و آرامگاه ناپسندی! پس از آن که به خاک سپرده شدند، فریادگری فریاد برآورد: کجاست آن دست‌بندها، تاج‌ها و لباس‌های گران‌قیمت و فاخر؟ کجاست آن چهره‌های در ناز و نعمت پرورش یافته که به احترامشان پرده‌ها می‌آویختند؟ گور به جای آنان پاسخ داد: اکنون کرم‌ها بر سر خوردن آن چهره‌ها با هم می‌ستیزند! آنان مدت درازی در دنیا خوردند و آشامیدند؛ ولی بعد از خوردن طولانی، خود خورده شدند!»

## پاورقی

[۱] صریحاً روستایی است به فاصله‌ی سه میل از مدینه که توسط امام کاظم علیه السلام تأسیس شده است.

[۲] انوار البهیة، ص ۴۴۹ و ۴۵۰.

- [۳] بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۹۸.
- [۴] انوار البهیة، ص ۲۸۸ و ۲۸۹.
- [۵] الشعر/۱/۲۲۷.
- [۶] بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۹۹ و ۲۰۰.
- [۷] بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.
- [۸] همان، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.
- [۹] غافر/ ۸۴ و ۸۵.]
- [۱۰] وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۱۴۱.
- [۱۱] توبه/ ۲۵.
- [۱۲] بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.
- [۱۳] همان، ج ۵۰، ص ۱۸۵.
- [۱۴] بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۷۶.
- [۱۵] همان، ج ۲۵، ص ۳۱۷؛ رجال کشی، ص ۵۱۸.
- [۱۶] معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۲۵۹.
- [۱۷] همان، ۲۶۰؛ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۲۰۵.
- [۱۸] سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۸ و طبع جدید، ج ۵، ص ۱۹۹ و ۲۰۰.
- [۱۹] بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۳؛ رجال کشی، ص ۳۹۱.
- [۲۰] هدیه الزائرین، ص ۱۷۶.
- [۲۱] همان، ج ۹۹، ص ۱۴۴.
- [۲۲] همان، ج ۵۰، ص ۲۱۱ و ۲۱۲.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز تحقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

